برهان

«درآمدی بر درست‌نویسی حقوقی-روایی درباره تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران»

برای موضع‌گیری‌های سیاسی و دیپلماتیک، اطلاع‌رسانی نظامی، پوشش رسانه‌ای و تحلیل‌های پژوهشی و اندیشکده‌ای

گروه دیپلماسی سایبری شرکت برهان

با راهنمایی و مشاوره حقوقی: دکتر سیدحسین سادات میدانی

عضو هیات علمی دانشکده روابط بین‌الملل



#Minab_168

✔ تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران

- ✕ درگیری
- ✕ جنگ ۱۲ روزه
- ✕ جنگ ۳۹ روزه
- ✕ جنگ رمضان
- ✕ جنگ ایران و اسرائیل
- ✕ عملیات نظامی علیه ایران
- ✕ حملات متقابل
- ✕ انتقام ایران
- ✕ اقدام تلافی جویانه ایران
- ✕ اقدام تنبیهی ایران
- ✕ حمله پیشگیرانه
- ✕ جنگ ایران

مقدمه

اگرچه روابط بین‌الملل تا حد زیادی تحت تأثیر قدرت سیاسی و نظامی دولت‌ها قرار دارد، حقوق بین‌الملل نیز در زمان جنگ و درگیری مسلحانه نقشی اساسی در تعیین مشروعیت اقدامات، تشخیص مسئولیت طرف‌های درگیر و ارزیابی رفتار آنان ایفا می‌کند. **رعایت ملاحظات حقوق بین‌الملل در مواضع و عملکردهای سیاسی و نظامی، بخشی از آمادگی کشور برای مواجهه با شرایط جنگی و نشانه بلوغ نهادی و حرفه‌ای در مدیریت درگیری است.** پیشرفت در توانمندی‌های دفاعی و نظامی نیز باید با شناخت و رعایت دقیق‌تر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل همراه باشد.

تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴ و اقدامات دفاعی ایران در چارچوب حق ذاتی دفاع از خود یا دفاع مشروع، اهمیت این ملاحظات را دوچندان کرده است. دقت در بیان مواضع رسمی، اطلاع‌رسانی نظامی، پوشش رسانه‌ای و تحلیل‌های پژوهشی به تبیین ماهیت حقوقی تجاوز، روشن شدن مسئولیت متجاوزان و دفاع مستند از مشروعیت اقدامات ایران کمک می‌کند. این دقت در گزارش‌هایی با موضوعات دیگر، ازجمله امنیت سایبری، تاب‌آوری ملی، زیرساخت‌های حیاتی و مطالعات راهبردی نیز اهمیت دارد؛ حتی اگر تنها چند جمله به زمینه جنگ اختصاص یافته باشد.

برای نمونه، تکرار تعبیرهایی مانند «جنگ ۱۲ روزه»، «جنگ ۳۹ روزه»، «تشدید تنش‌ها»، «درگیری ایران و اسرائیل»، «نبرد هرمز»، «اقدامات تنبیهی» یا «حملات متقابل» در اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های مختلف، به‌تدریج می‌تواند نقطه آغاز جنگ و تفاوت میان تجاوز و دفاع مشروع را در روایت رویدادها کم‌رنگ کند. **هیچ عبارتی کمتر از عنوان «تجاوز» نمی تواند بیان دقیق از توصیف حقوقی این عمل غیرقانونی باشد و وظیفه هر شهروند و مقام ایرانی است که دائما بر ماهیت تجاوزکارانه این عمل تاکید ورزد.** برای این مسئله، کافی است در نخستین اشاره، منشأ درگیری با عبارتی مانند «تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران و اقدامات دفاعی متعاقب آن» روشن شود. پس‌ازآن می‌توان متناسب با موضوع از عبارت‌های کوتاه‌تری مانند «در جریان جنگ» یا «در ادامه درگیری» استفاده کرد. برای تمایز دو دوره درگیری‌های فعال ۱۲ روزه و ۳۹ روزه نیز، زمان آغاز هر دوره حملات نیز در معرفی واقعه ذکر شود. به این ترتیب، در اشاره‌های بعدی می‌توان از تعبیرهای «تجاوز آغاز شده در خرداد ۱۴۰۴» و «تجاوز آغازشده در اسفند ۱۴۰۴» استفاده کرد تا مخاطب بداند هر اشاره مربوط به کدام دوره و کدام درگیری است. این تفکیک زمانی برای شناسایی دوره موردنظر است و به معنای تعیین آغاز و پایان حقوقی کل مخاصمه نیست.

رعایت این نکته در عنوان، مقدمه، خلاصه مدیریتی و جمع‌بندی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این بخش‌ها معمولاً بیش از سایر قسمت‌های متن خوانده و بازنشر می‌شوند. این راهنما با هدف ارتقای آگاهی حقوقی، ترویج کاربرد دقیق اصطلاحات حقوق بین‌الملل و کمک به انسجام روایت رویدادها تهیه شده است. رعایت اصول آن می‌تواند از بازتولید ناخواسته تعابیر نادرست یا توجیهات حقوقی طرف متجاوز جلوگیری کند و مبنایی مشترک برای موضع‌گیری، اطلاع‌رسانی و تحلیل مستند در اختیار مخاطبان قرار دهد.

۱. مخاطبان و کاربرد راهنما

این راهنما برای تمام اشخاص و نهادهایی تهیه شده است که در موضع‌گیری‌های رسمی، اطلاع‌رسانی، تولید محتوای رسانه‌ای و تحلیل تحولات سیاسی، نظامی، امنیتی و حقوقی مرتبط با تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران نقش دارند.

هر موضع رسمی، خبر، گزارش یا تحلیل، افزون بر انتقال اطلاعات، در شکل‌گیری برداشت مخاطبان از ماهیت رویدادها و مسئولیت طرف‌های درگیر اثر می‌گذارد. برای نمونه، توصیف تجاوز نظامی با عنوان «تشدید تنش‌ها» یا معرفی اقدامات دفاعی کشور با عبارت «حملات متقابل» یا «اقدامات تنبیهی»، ممکن است ناخواسته تفاوت حقوقی میان آغازگر توسل به زور (متجاوز) و دولت هدف تجاوز (مدافع) را کم‌رنگ کند.

ازاین‌رو، رعایت دقت حقوقی در انتخاب واژگان، تنها به بیانیه‌های رسمی یا گزارش‌های تخصصی حقوق بین‌الملل محدود نمی‌شود. این دقت باید در همه متن‌ها و مواضع مرتبط با تجاوز علیه ایران مورد توجه قرار گیرد؛ به‌ویژه در فعالیت‌های زیر:

- **نهادها و مقامات سیاسی و دیپلماتیک:** در تنظیم مواضع رسمی، بیانیه‌ها، مکاتبات دیپلماتیک، سخنرانی‌ها و طرح موضوع در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی؛
- **نهادهای نظامی، دفاعی و امنیتی:** در اطلاعیه‌ها، نشست‌های خبری، اظهارات سخنگویان و تبیین ماهیت اقدامات نظامی و دفاعی کشور؛
- **رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها:** در انتخاب تیتر، تنظیم خبر، گزارش، مصاحبه، تحلیل و ترجمه یا بازنشر مطالب رسانه‌های خارجی؛
- **دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و اندیشکده‌ها:** در تهیه مقالات، گزارش‌های راهبردی، یادداشت‌های سیاستی، تحلیل‌های امنیتی، آینده‌پژوهی و ارزیابی پیامدهای جنگ؛
- **نهادهای حقوقی و مراکز مستندسازی:** در ثبت و توصیف وقایع، گردآوری شواهد، تنظیم گزارش‌های حقوقی و بررسی مسئولیت دولت‌ها و اشخاص؛
- **کارشناسان، تحلیلگران و فعالان حوزه اطلاع‌رسانی عمومی:** در گفت‌وگوهای تخصصی، برنامه‌های تحلیلی، تولید محتوای آموزشی و انتشار مطالب مرتبط در فضای مجازی.

کاربرد این راهنما برای همه مخاطبان یکسان نیست. **سخنگوی نظامی، خبرنگار، دیپلمات و پژوهشگر هر یک وظایف و ملاحظات حرفه‌ای متفاوتی دارند؛ اما همگی باید میان توصیف یک واقعه، ارزیابی حقوقی آن و نقل ادعاهای طرف‌های درگیر تمایز بگذارند.** هدف راهنما نیز، یکسان‌سازی همه متن‌ها یا تکرار یک عبارت مشخص در تمام مواضع نیست. مقصود، فراهم کردن مبنایی مشترک برای انتخاب واژگان دقیق، حفظ ترتیب وقوع رویدادها و جلوگیری از بازتولید تعابیری است که ممکن است ماهیت تجاوز یا مبنای حقوقی دفاع در برابر آن را مخدوش کنند.

۲. چرا درست‌نویسی واژگان در روایت تجاوز اهمیت دارد؟

واژه‌ها در توصیف رویدادهای نظامی و سیاسی، معنای حقوقی مشخصی دارند. انتخاب یک واژه می‌تواند آغازگر جنگ را معرفی کند، ماهیت اقدامات طرف‌ها را روشن سازد یا تفاوت میان تجاوز و دفاع مشروع را از نظر پنهان کند. به همین دلیل، دقت در واژه‌گزینی بر چگونگی ثبت و روایت رویدادها و برداشت مخاطبان از مسئولیت دولت‌ها اثر می‌گذارد.

برای نمونه، دو عبارت زیر را در نظر بگیریم:

«در پی تشدید تنش‌ها میان ایران، آمریکا و اسرائیل...»

«در پی تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران و اقدامات دفاعی متعاقب ایران...»

عبارت نخست از اختلاف یا بحرانی میان سه طرف سخن می‌گوید، بی‌آنکه آغازگر حملات نظامی (متجاوز) یا جایگاه حقوقی هر طرف را مشخص کند. عبارت دوم ترتیب وقوع رویدادها را نشان می‌دهد و میان توسل اولیه به زور غیرقانونی و پاسخ دفاعی مشروع به آن تمایز می‌گذارد. این تفاوت در حقوق بین‌الملل اهمیت دارد؛ زیرا منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲، توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت‌ها را منع کرده و در ماده ۵۱، حق ذاتی دفاع از خود (دفاع مشروع) را در صورت وقوع حمله مسلحانه به رسمیت شناخته است.

همین مسئله درباره توصیف اقدامات ایران نیز مطرح است. **تعبیرهایی مانند «انتقام»، «تلافی» یا «اقدام تنبیهی» ممکن است این برداشت را ایجاد کنند که هدف از عملیات نظامی، مجازات طرف مقابل است. حال‌آنکه دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل برای دفع حمله مسلحانه به رسمیت شناخته شده و اعمال آن تابع شرایطی ازجمله ضرورت و تناسب است. ازاین‌رو، در توصیف اقدامات ایران در برابر تجاوز، استفاده از اصطلاحاتی مانند «اقدام دفاعی» و «اعمال حق دفاع مشروع»، با رعایت اصول تناسب و ضرورت ، دقیق‌تر است.**

دقت در واژه‌گزینی هنگام نقل مواضع و ادعاهای طرف مهاجم نیز اهمیت دارد. برای مثال، اگر آمریکا یا رژیم اسرائیل حمله خود را «پیش‌دستانه» یا «پیشگیرانه» بنامند، تکرار این عنوان بدون اشاره به گوینده ممکن است ادعای آنان را به توصیف پذیرفته‌شده واقعه تبدیل کند. در چنین مواردی، باید روشن باشد چه کسی این عنوان را به کار برده و مبنای حقوقی آن تا چه اندازه قابل دفاع است.

تأثیر این انتخاب‌ها به یک خبر یا بیانیه محدود نمی‌ماند. اصطلاحات به‌کاررفته در مواضع رسمی، گزارش‌های رسانه‌ای، اسناد دیپلماتیک و پژوهش‌های دانشگاهی بارها نقل و بازنشر می‌شوند و به‌تدریج در حافظه عمومی و منابع مورد استناد جای می‌گیرند. تکرار تعابیر مبهم ممکن است نقش آغازگر حمله را کم‌رنگ کند و تصویری از جنگ به دست دهد که در آن مسئولیت طرف‌ها به‌روشنی مشخص نیست.

البته کاربرد اصطلاحات حقوقی به معنای تکرار واژه «تجاوز» در تمام جمله‌ها یا کنار گذاشتن اصطلاحات عمومی مانند «جنگ» و «درگیری مسلحانه» نیست. این واژه‌ها نیز در جای خود کاربرد دارند. آنچه اهمیت دارد، معرفی دقیق منشأ درگیری مسلحانه، حفظ تفاوت حقوقی میان تجاوز و دفاع و پرهیز از به‌کارگیری تعابیری است که ناخواسته این تمایز را مخدوش می‌کنند.

درست‌نویسی واژگان به ثبت دقیق‌تر وقایع، انسجام مواضع و استنادپذیری گزارش‌ها کمک می‌کند. هرچه توصیف رویدادها به مفاهیم شناخته‌شده حقوق بین‌الملل نزدیک‌تر باشد، امکان دفاع مستند از ارزیابی‌های حقوقی و بررسی مسئولیت طرف‌های درگیر نیز بیشتر خواهد بود.

۳. مفاهیم بنیادین و تمایزهای ضروری در حقوق بین‌الملل

برای توصیف دقیق اقدامات نظامی علیه ایران و پاسخ‌های دفاعی کشور، آشنایی با چند مفهوم اساسی حقوق بین‌الملل ضروری است. اصطلاحات «توسل به زور»، «حمله مسلحانه»، «تجاوز» و «جنایت تجاوز» با یکدیگر ارتباط دارند، اما از نظر معنا، شرایط تحقق و آثار حقوقی یکسان نیستند. به‌کارگیری درست هر یک از این اصطلاحات به روشن شدن ماهیت اقدامات نظامی، مبنای حق دفاع مشروع و مسئولیت دولت‌ها و اشخاص کمک می‌کند.

۳-۱ توسل به زور

«توسل به زور»[1] از مفاهیم اصلی حقوق بین‌الملل است. **بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، دولت‌ها موظف‌اند در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی سایر دولت‌ها یا به هر شیوه مغایر با مقاصد ملل متحد خودداری کنند.**[2]

این ممنوعیت از اصول بنیادین روابط بین‌الملل است و رفتارهایی مانند حمله نظامی به قلمرو دولت دیگر را در بر می‌گیرد. همه موارد توسل به زور از نظر شدت و آثار یکسان نیستند. برخی از آن‌ها به سطح «حمله مسلحانه» می‌رسند و می‌توانند مبنای اعمال حق دفاع مشروع قرار گیرند. تشخیص این موضوع به ماهیت، شدت و مقیاس اقدام بستگی دارد.

۳-۲ حمله مسلحانه[3]

«حمله مسلحانه» در ماده ۵۱ منشور ملل متحد مبنای اعمال حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی شناخته شده است. دولت قربانی حمله می‌تواند با رعایت شرایط حقوق بین‌الملل، ازجمله ضرورت و تناسب، برای دفع حمله و مقابله با خطر ناشی از آن به اقدامات دفاعی متوسل شود.

هر توسل غیرقانونی به زور لزوماً حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی سال ۱۹۸۶ خود در قضیه *فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن*، میان شدیدترین اشکال توسل به زور و موارد کم‌شدت‌تر آن تمایز گذاشته است.[4]

حمله مستقیم نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر، از نمونه‌های روشن رفتاری است که می‌تواند مصداق حمله مسلحانه باشد. اهمیت این عنوان در آن است که وقوع حمله مسلحانه، با وجود سایر شرایط لازم، مبنای حقوقی دفاع مشروع را فراهم می‌کند.

۳-۳ تجاوز یا عمل تجاوزکارانه[5]

«تجاوز» در حقوق بین‌الملل عنوانی مشخص برای استفاده از نیروی مسلح یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا به شیوه‌ای مغایر با منشور ملل متحد است.

مجمع‌عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۳۳۱۴، مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴، ضمن تعریف تجاوز، مصادیقی از اعمال تجاوزکارانه را برشمرده است. حمله نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر، بمباران قلمرو آن یا استفاده از هرگونه سلاح علیه قلمرو آن دولت، ازجمله این مصادیق است.[6]

بنابراین واژه «تجاوز» در توصیف اقدامات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، بر مبنای تعریف و مصادیق شناخته‌شده حقوق بین‌الملل به کار می‌رود. استفاده از این اصطلاح، ماهیت اقدام آغازگر مخاصمه را روشن می‌کند و مانع از هم‌سطح نشان دادن آن با دفاع در برابر حمله مسلحانه می‌شود.

---

[1] Use of Force
[2] United Nations, Charter of the United Nations, June 26, 1945, art. 2(4)
[3] Armed Attack
[4] Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986, p. 14, paras. 191, 194–195.
[5] Aggression / Act of Aggression
[6] United Nations General Assembly, Definition of Aggression, Resolution 3314 (XXIX), December 14, 1974, annex, arts. 1, 2, and 3(a), (b), and (d), UN Doc. A/RES/3314(XXIX).

منع تجاوز همچنین در شمار قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام[۷] قرار دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل که رکن فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد می باشد در طرح نتیجه‌گیری‌های سال ۲۰۲۲ درباره شناسایی و پیامدهای حقوقی قواعد آمره، این ممنوعیت را در فهرست غیرحصری قواعد آمره آورده است. قواعد آمره در زمره قواعد اساسی و بنیادی جامعه بین‌المللی دولت‌ها در مجموع هستند و هیچ توافقی نمی‌تواند عدول از آن‌ها را مجاز سازد.[۸]

جایگاه آمره منع تجاوز از نظر مسئولیت سایر دولت‌ها نیز اهمیت دارد. در صورت وقوع نقض شدید تعهد ناشی از یک قاعده آمره، **دولت‌های ثالث موظف‌اند از راه‌های مشروع برای پایان دادن به آن همکاری کنند، وضعیت ایجادشده بر اثر نقض را قانونی نشناسند و در حفظ آن کمک یا مساعدت نکنند.**[۹] این تعهدات به معنای الزام دولت‌های ثالث به ورود نظامی به مخاصمه نیست، اما نشان می‌دهد آثار حقوقی نقض شدید قواعد آمره به روابط میان دولت متجاوز و دولت مورد تجاوز محدود نمی‌ماند.

۳-۴ جنایت تجاوز[۱۰]

«جنایت تجاوز» به مسئولیت کیفری اشخاص در ارتباط با ارتکاب عمل تجاوزکارانه مربوط است. این جنایت در کنار نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، یکی از چهار جنایت بین المللی اصلی در صلاحیت موضوعی دیوان بین‌المللی کیفری به شمار می‌رود.[۱۱]

بر اساس ماده ۸ مکرر اساسنامه رم (اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری)، جنایت تجاوز از طریق برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای یک عمل تجاوزکارانه توسط شخصی تحقق می‌یابد که عملاً توانایی کنترل یا هدایت اقدامات سیاسی یا نظامی یک دولت را داشته باشد؛ مشروط بر اینکه عمل تجاوزکارانه از نظر ماهیت، شدت و مقیاس، نقض آشکار منشور ملل متحد محسوب شود.[۱۲]

ازاین‌رو، **باید میان «عمل تجاوزکارانه دولت» و «جنایت تجاوز» تفاوت گذاشت. عمل تجاوزکارانه به رفتار دولت و مسئولیت بین‌المللی آن مربوط است، اما جنایت تجاوز ناظر به مسئولیت کیفری فردی اشخاص واجد شرایط است.** احراز مسئولیت کیفری، بررسی عناصر قانونی جنایت و دلایل مربوط به نقش و اقدامات اشخاص را می‌طلبد.

در ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری، گاه از جنایت تجاوز با عنوان «مادر جنایات» یاد می‌شود؛ زیرا آغاز جنگ تجاوزکارانه می‌تواند زمینه ارتکاب جنایات بین‌المللی دیگر را فراهم کند. در محاکمات نورنبرگ نیز آغاز جنگ تجاوزکارانه با تعبیر «شدیدترین جنایت بین‌المللی»[۱۳] توصیف شد.[۱۴]

---

[7] *Jus Cogens*
[8] International Law Commission, "Draft Conclusions on Identification and Legal Consequences of Peremptory Norms of General International Law (Jus Cogens)," in Report of the International Law Commission on the Work of Its Seventy-Third Session, UN Doc. A/77/10 (2022), chap. IV, conclusion 23 and annex, para. (a).
[9] Ibid., chap. IV, conclusion 19, paras. 1–3; International Law Commission, "Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts," in Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II, part two, art. 41, UN Doc. A/56/10.
[10] Crime of Aggression
[11] Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, 2187 U.N.T.S. 3, art. 5(1)(a)–(d), as amended.
[12] Rome Statute of the International Criminal Court, art. 8 bis (1)–(2), as amended by Resolution RC/Res.6, June 11, 2010.
[13] *The Supreme International Crime*
[14] International Military Tribunal, Judgment, September 30–October 1, 1946, in Trial of the Major War Criminals before the International Military Tribunal, vol. 1 (Nuremberg, 1947), 186.

با وجود شناسایی جنایت تجاوز در اساسنامه رم، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری برای رسیدگی به آن تابع شرایط و محدودیت‌های ویژه‌ای است. درنتیجه، توصیف یک اقدام نظامی به‌عنوان تجاوز، به‌خودی‌خود به معنای احراز مسئولیت کیفری اشخاص معین یا صلاحیت دیوان برای رسیدگی به آن پرونده نیست (مواد ۱۵ مکرر و ۱۵ مکرر سوم اساسنامه رم).[۱۵]

۳-۵ تفاوت حقوق توسل به زور و حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بشردوستانه

در ارزیابی حقوقی جنگ، باید میان مشروعیت توسل به نیروی نظامی و قانونی بودن شیوه انجام عملیات تفاوت گذاشت.

«حقوق توسل به زور»[۱۶] به بررسی مشروعیت آغاز و ادامه استفاده از نیروی نظامی می‌پردازد. قواعد منع توسل به زور، حق دفاع مشروع و اختیارات شورای امنیت در این حوزه قرار می‌گیرند.

«حقوق درگیری‌های مسلحانه» یا «حقوق بین‌الملل بشردوستانه»[۱۷] شیوه انجام عملیات نظامی و رفتار طرف‌های مخاصمه را تنظیم می‌کند. اصول تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان، تناسب در حمله، احتیاط در عملیات و حمایت از اشخاص و اموال غیرنظامی از قواعد مهم این حوزه‌اند.

این دو مجموعه قواعد مستقل از یکدیگر اعمال می‌شوند. **دولتی ممکن است قربانی تجاوز باشد و حق دفاع مشروع داشته باشد، اما همچنان موظف است در عملیات دفاعی خود قواعد حقوق بشردوستانه را رعایت کند. همچنین غیرقانونی بودن آغاز جنگ از سوی یک دولت، تعهد طرف مقابل به رعایت این قواعد را از میان نمی‌برد.**

۳-۶ تفاوت مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری اشخاص

مسئولیت بین‌المللی دولت زمانی مطرح می‌شود که رفتاری برخلاف تعهدات بین‌المللی به آن دولت منتسب باشد. پیامدهای چنین مسئولیتی، بسته به شرایط، می‌تواند شامل توقف رفتار متخلفانه، ارائه تضمین‌های لازم برای جلوگیری از تکرار آن و جبران خسارت باشد.

مسئولیت کیفری فردی به ارتکاب جنایات بین‌المللی از سوی اشخاص مربوط است و بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل کیفری بررسی می‌شود. در این حوزه، جایگاه فرد، نقش او در ارتکاب جنایت، عناصر قانونی جرم و ادله موجود اهمیت دارند.

این دو نوع مسئولیت ممکن است در ارتباط با یک واقعه مطرح شوند، اما احراز یکی به‌تنهایی برای اثبات دیگری کافی نیست.

از همین رو، هنگام توصیف تجاوز نظامی باید میان مسئولیت دولت متجاوز و مسئولیت کیفری احتمالی مقاماتی که در تصمیم‌گیری یا اجرای آن نقش داشته‌اند، تمایز گذاشت.

۴. مبانی حقوقی توصیف اقدامات نظامی علیه ایران به‌عنوان تجاوز

کاربرد واژه «تجاوز» برای توصیف حملات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، بر مبانی شناخته‌شده حقوق بین‌الملل استوار است. منشور ملل متحد، قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی و قواعد آمره حقوق بین‌الملل، مبنای حقوقی این ارزیابی را فراهم می‌کنند.

[15] Rome Statute of the International Criminal Court, arts. 15 bis and 15 ter, as amended by Resolution RC/Res.6, June 11, 2010.
[16] *Jus ad Bellum*
[17] *Jus in Bello* / International Humanitarian Law

نخست، منشور ملل متحد توسل به زور علیه دولت‌ها را منع کرده است. طبق بند ۴ ماده ۲ منشور، دولت‌ها موظف‌اند از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی سایر دولت‌ها خودداری کنند. توسل به نیروی نظامی بدون مبنای قانونی، ازجمله مجوز شورای امنیت یا تحقق شرایط دفاع مشروع، با این اصل مغایرت دارد.

دوم، قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصادیق تجاوز را مشخص کرده است. بر اساس ماده ۳ این قطعنامه، حمله نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر، بمباران قلمرو آن و استفاده از سلاح علیه خاک آن کشور و همچنین محاصره دریایی از مصادیق عمل تجاوزکارانه‌اند. حملات مستقیم نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل به قلمرو ایران، از نظر نوع رفتار، با این مصادیق انطباق دارند. توصیف حقوقی این حملات به‌عنوان تجاوز، بر همین مبنا و با توجه به فقدان توجیه قانونی معتبر برای توسل به زور صورت می‌گیرد.

سوم، منع تجاوز از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است. همانگونه که بیان شد کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح نتیجه‌گیری‌های سال ۲۰۲۲، منع تجاوز را در شمار این قواعد آورده است. در صورت نقض شدید تعهد ناشی از یک قاعده آمره، دولت‌های دیگر نیز وظایفی دارند؛ ازجمله همکاری از راه‌های مشروع برای پایان دادن به نقض، خودداری از شناسایی وضعیت غیرقانونی ناشی از آن و پرهیز از کمک به حفظ چنین وضعیتی.

بر این اساس، در مواضع رسمی، گزارش‌های رسانه‌ای و تحلیل‌های پژوهشی، استفاده از عنوان «تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران» بیانگر یک ارزیابی حقوقی مستند است. واژه‌های عمومی مانند «جنگ»، «حمله» یا «درگیری مسلحانه» نیز کاربرد دارند، اما به‌تنهایی ماهیت حقوقی آغاز توسل به زور و مسئولیت ناشی از آن را روشن نمی‌کنند.

۵. تجاوز و دفاع مشروع؛ تفاوت در مبنا و آثار حقوقی

حقوق بین‌الملل میان آغاز توسل غیرقانونی به زور و استفاده از نیروی نظامی برای دفاع در برابر حمله مسلحانه تفاوت قائل است. تجاوز، نقض یکی از بنیادی‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل است و برای دولت متجاوز مسئولیت ایجاد می‌کند. در برابر آن، ماده ۵۱ منشور ملل متحد حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی را برای دولت مورد حمله به رسمیت شناخته است.

دفاع مشروع حقی قانونی است، اما اعمال آن شرایط مشخصی دارد. اقدامات دفاعی باید برای دفع حمله مسلحانه ضروری و از نظر دامنه و شدت با نیاز دفاعی متناسب باشند. تناسب به معنای برابری تعداد حملات، میزان خسارت یا نوع سلاح‌های دو طرف نیست؛ معیار اصلی، ضرورت و اندازه نیروی لازم برای تحقق هدف دفاعی است. دولت مدافع همچنین موظف است قواعد حقوق بشردوستانه، ازجمله حمایت از غیرنظامیان و ممنوعیت حملات بی‌تمایز، را رعایت کند.

توقف عملیات نظامی به‌خودی‌خود به معنای پایان مخاصمه یا زوال حق دفاع مشروع نیست. ممکن است درگیری‌های فعال متوقف شوند، اما درباره استمرار مخاصمه یا خطر حملات مسلحانه بعدی همچنان پرسش‌های حقوقی وجود داشته باشد. در این موارد، ادامه اعمال حق دفاع مشروع به ارزیابی ضرورت و تناسب، وضعیت حمله مسلحانه و خطر تداوم یا ازسرگیری آن بستگی دارد. همچنین اعلام آمادگی برای دفاع یا محفوظ دانستن این حق، به‌تنهایی نشانه استمرار عملیات جنگی یا مجوزی برای حمله جدید از سوی طرف مقابل نیست.

این تمایز در انتخاب واژگان نیز باید رعایت شود. در توصیف اقدامات ایران در پاسخ به تجاوز، استفاده از اصطلاحاتی مانند «اقدامات دفاعی»، «پاسخ دفاعی» و «اعمال حق دفاع مشروع» مناسب‌تر از تعبیرهایی مانند «انتقام»، «تلافی‌جویی» یا «اقدام تنبیهی» است. البته مشروعیت هر عملیات مشخص باید با توجه به شرایط و قواعد حقوق بین‌الملل بررسی شود.

حفظ تفاوت میان تجاوز و دفاع مشروع، مانع از آن می‌شود که آغازگر حمله مسلحانه و دولت مدافع در روایت رویدادها از نظر حقوقی در موقعیتی یکسان قرار گیرند. البته اقدام دفاعی پس از تجاوز را نمی توان به عنوان «اقدام پیش دستانه» توصیف کرد.

۶. کاربرد واژه «تجاوز» در مواضع رسمی اروپا درباره جنگ اوکراین

رویکرد نهادهای اروپایی به جنگ روسیه و اوکراین، نمونه روشنی از اهمیت انتخاب واژگان حقوقی در مواضع رسمی است. پارلمان اروپا از آغاز حمله گسترده روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، به‌طور مستمر از اصطلاحات «تجاوز روسیه علیه اوکراین»[18] و «جنگ تجاوزکارانه روسیه»[19] استفاده کرده است. این ادبیات در عنوان قطعنامه‌های پارلمان اروپا نیز دیده می‌شود. قطعنامه اول مارس ۲۰۲۲ با عنوان «تجاوز روسیه علیه اوکراین»، قطعنامه ۱۶ فوریه ۲۰۲۳ با عنوان «یک سال از تهاجم و جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین» و قطعنامه ۲۴ فوریه ۲۰۲۶ با عنوان «چهار سال جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین» تصویب شدند. تکرار این اصطلاحات در اسناد رسمی نشان می‌دهد که نهادهای اروپایی، به‌ویژه پارلمان اروپا، در توصیف جنگ اوکراین بر شناسایی آغازگر توسل به زور و ماهیت غیرقانونی اقدام آن تأکید داشته‌اند.

این رویکرد اروپا به کاربرد واژگان هم محدود نمانده است. اوکراین و شورای اروپا در ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵ توافق‌نامه تأسیس «دادگاه ویژه جنایت تجاوز علیه اوکراین»[20] را امضا کردند. هدف از ایجاد این دادگاه، فراهم کردن امکان تعقیب کیفری مقاماتی است که مسئولیت اصلی تصمیم‌گیری و اجرای عمل تجاوزکارانه را بر عهده داشته‌اند. این ابتکار برای جبران محدودیت‌های صلاحیتی دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جنایت تجاوز در پرونده اوکراین شکل گرفت. در سال ۲۰۲۶ نیز با مشارکت اتحادیه اروپا و شماری از دولت‌های اروپایی، اقدامات حقوقی، مالی و نهادی برای آماده‌سازی دادگاه ادامه یافت.

تجربه اوکراین نشان می‌دهد که کاربرد دقیق اصطلاح «تجاوز» می‌تواند در مواضع رسمی استمرار یابد و با پیگیری مسئولیت بین‌المللی و کیفری همراه شود. در اسناد یادشده، واژه‌های عمومی مانند «جنگ» و «مخاصمه» کنار گذاشته نشده‌اند، اما عنوان «تجاوز» برای بیان ماهیت حقوقی آغاز جنگ حفظ شده است.

از این تجربه می‌توان یک اصل کاربردی برای راهنمای حاضر استخراج کرد **که در روایت رویدادهای نظامی، عنوان حقوقی «تجاوز» باید در جای مناسب و بر پایه مستندات حفظ شود؛ حتی هنگامی‌که متن درباره پیامدهای سیاسی، امنیتی یا انسانی جنگ سخن می‌گوید.**

۷. مقایسه ادبیات حقوقی اروپا درباره اوکراین و ایران

مقایسه مواضع رسمی نهادهای اروپایی درباره جنگ اوکراین و حملات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، تفاوت قابل‌توجهی در انتخاب واژگان نشان می‌دهد. اشاره شد که پارلمان اروپا در قطعنامه‌های خود درباره اوکراین، به‌طور مکرر از

[18] Russian Aggression against Ukraine
[19] Russia's War of Aggression
[20] Special Tribunal for the Crime of Aggression against Ukraine

عنوان‌های «تجاوز روسیه علیه اوکراین» و «جنگ تجاوزکارانه روسیه» استفاده کرده و مسئولیت آغاز جنگ را به‌صراحت متوجه روسیه دانسته است. در قطعنامه ۲۴ فوریه ۲۰۲۶ نیز بر نقض منشور ملل متحد، حق دفاع مشروع اوکراین و مسئولیت روسیه تأکید شده است.[۲۱]

اما در مواضع رسمی درباره ایران، ادبیات متفاوتی دیده می‌شود. رؤسای شورای اروپا و کمیسیون اروپا در بیانیه مشترک ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، از تعبیر «تحولات ایران»[۲۲] استفاده کردند و همه طرف‌ها را به خویشتن‌داری فراخواندند. همچنین موضوع نشست ۱۱ مارس ۲۰۲۶ پارلمان اروپا با عنوان «عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه رژیم ایران» مطرح شد؛ بدون آنکه در عنوان نشست از واژه «تجاوز» استفاده شود.

این نمونه‌ها از تفاوت آشکار در چارچوب‌بندی حقوقی و سیاسی دو رویداد حکایت دارند. در اسناد مربوط به اوکراین، واژه «تجاوز» همراه با انتساب مسئولیت آغاز جنگ به روسیه به کار رفته است؛ حال آنکه در مواضع یادشده درباره ایران، بیشتر بر عملیات نظامی، پیامدهای منطقه‌ای و ضرورت خویشتن‌داری تأکید شده است.

تفاوت بارز واژگان در چند سند، به‌تنهایی می‌تواند نشانه‌ای از اتخاذ سیاستی عامدانه یا اعمال معیارهای دوگانه و ریاکارانه باشد. البته ارزیابی این موضوع به بررسی گسترده‌تر مواضع نهادهای اروپایی و دلایل حقوقی احتمالی تفاوت آن‌ها نیاز دارد. ولی در هر حال، مقایسه اسناد یادشده پرسش مهمی را مطرح می‌کند: چرا در توصیف برخی موارد توسل به زور، اروپایی‌ها از عنوان حقوقی «تجاوز» به‌صراحت استفاده می‌کنند، اما درباره موارد دیگر از تعابیر عمومی‌تری استفاده می‌شود؟[۲۳]

این مقایسه بر ضرورت کاربرد معیارهای حقوقی یکسان در توصیف رفتار دولت‌ها تأکید دارد. **عنوان «تجاوز» باید بر اساس ماهیت اقدام و قواعد حقوق بین‌الملل به کار رود، نه هویت دولت آغازگر حمله یا ملاحظات سیاسی مرتبط با آن.**

۸. یک قاعده ساده برای موضع‌گیری‌ها و گزارش‌ها

برای توصیف کلی جنگ و اقدامات طرف‌های درگیر، این ترتیب حقوقی باید حفظ شود:



بنابراین، مناسب است که هنگام اشاره به آغاز جنگ، از عنوان «تجاوز نظامی» استفاده شود و در توصیف پاسخ ایران، اصطلاحاتی مانند «اقدامات دفاعی»، «پاسخ دفاعی» یا «اعمال حق دفاع از خود یا دفاع مشروع» به کار رود. تعبیرهایی مانند «انتقام»، «تلافی‌جویی» و «اقدام تنبیهی» ممکن است ماهیت حقوقی دفاع را مخدوش کنند.

---

[21] 1. European Parliament, “Resolution of 24 February 2026 on Four Years of Russia’s War of Aggression against Ukraine and European Contributions to a Just Peace and Sustained Security for Ukraine,” P10_TA(2026)0056, February 24, 2026, recitals A–C and paras. 1–3.

[22] European Council and European Commission, “Joint Statement by President Costa and President von der Leyen on Developments in Iran,” February 28, 2026.

[23] European Parliament, “Agenda of Wednesday, 11 March 2026,” item 91, “The US-Israel Military Operation against the Iranian Regime, Its Consequences and the Need to Support the People of Iran,” procedure 2026/2634(RSP).

نکته‌ای که نباید از نظر دور بماند این است که **نام‌گذاری بر مبنای طرف‌های درگیری (... آمریکا و ایران) یا مناسبت (... رمضان) به‌تنهایی نمی‌تواند آغازگر حملات و مسئولیت آن را مشخص کند. همچنین بیان تعداد روزها (... ۱۲ روزه، ... ۳۹ روزه) بخشی از مخاصمه را به‌نمایندگی از کل تجاوز روایت کند و حملات پیشین را از دایره روایت بیرون می‌گذارد؛ در حالی که برای اثبات مشروعیت اقدامات دفاعی کشور، باید از به‌کارگیری تعابیر مدت‌دار در توصیف تجاوز پرهیز کرد.**

۹. راهنمای درست‌نویسی واژگان

عبارت‌های پیشنهادی باید متناسب با موضوع، زمان وقوع رویداد و مستندات موجود به کار روند. برخی تعبیرهای رایج به‌خودی‌خود نادرست نیستند، اما برای معرفی منشأ جنگ یا توضیح جایگاه حقوقی طرف‌ها کفایت نمی‌کنند. جدول ۱، این رویکرد را با زبانی ساده و با الگوی «به‌جای این عبارت، این‌طور بنویسیم» ارائه می‌کند تا برای مخاطبان غیرحقوقی نیز قابل استفاده باشد. عبارت‌های پیشنهادی باید با واقعیت هر رویداد سازگار باشند و کمک کنند روشن بماند چه کسی تجاوز کرده، ایران در برابر چه حملاتی از خود دفاع کرده و چه آسیب‌هایی به مردم و کشور وارد شده است.

جدول ۱- راهنمای ساده درست نویسی عبارات

ردیف	به‌جای عبارت...	این‌طور بنویسیم...
۱	جنگ ایران	«تجاوز نظامی [نام مهاجم] علیه ایران» یا «جنگ تحمیل‌شده به ایران»
۲	«درگیری» یا «درگیری‌های دو طرف»	«تجاوز نظامی [نام مهاجم] علیه ایران و دفاع ایران در برابر آن» یا «حملات تجاوزکارانه [نام مهاجم] علیه ایران و پاسخ‌های دفاعی ایران»
۳	جنگ ۱۲روزه	در معرفی: «تجاوز نظامی رژیم اسرائیل و سپس آمریکا علیه ایران که در خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد». پس از معرفی: «تجاوز آغازشده در خرداد ۱۴۰۴»
۴	جنگ ۳۹روزه	در معرفی: «تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران که در اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد». پس از معرفی: «تجاوز آغازشده در اسفند ۱۴۰۴»
۵	جنگ رمضان	«جنگ تحمیل‌شده به ایران بر اثر تجاوز نظامی [نام مهاجم]»
۶	جنگ ایران و اسرائیل	«تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران و دفاع ایران در برابر آن»
۷	«آغاز جنگ»، برای اشاره به آغاز موج اخیر حملات	«آغاز موج تازه حملات تجاوزکارانه علیه ایران»
۸	«پایان جنگ»، صرفاً به دلیل توقف حملات	متناسب با واقعه: «توقف حملات تجاوزکارانه» یا «برقراری آتش‌بس»
۹	عملیات نظامی علیه ایران	«تجاوز نظامی علیه ایران» یا «حملات تجاوزکارانه علیه ایران»
۱۰	حملات متقابل دو طرف	«حملات تجاوزکارانه [نام مهاجم] علیه ایران و پاسخ‌های دفاعی ایران»
۱۱	«انتقام ایران»، «تلافی‌جویی» یا «اقدام تنبیهی ایران»	«پاسخ دفاعی ایران به حملات» یا «اقدامات ایران برای دفاع در برابر تجاوز»
۱۲	عملیات دفاعی اسرائیل	«تداوم اقدامات تجاوزکارانه»
۱۳	حمله پیشگیرانه	حملات تجاوزکارانه غیرقانونی
۱۴	خسارات جانبی عملیات	متناسب با واقعه: «حمله به اماکن یا اهداف نظامی»، «کشته و زخمی‌شدن غیرنظامیان در حمله» یا «تخریب خانه‌ها و مراکز غیرنظامی»
۱۵	حذف یا ترور هدفمند افراد	«ترور و قتل عمد [نام افراد] در حمله [نام حمله‌کننده]»

جدول ۲ برای استفاده کارشناسی و کمک به تنظیم متن‌ها و موضع‌گیری‌های حقوقی تهیه شده است. دقت در انتخاب واژه‌ها در خبرها، گفت‌وگوها و نوشته‌های عمومی نیز اهمیت دارد. یک تعبیر رایج می‌تواند ناخواسته مسئولیت مهاجم را پنهان کند، پیشینه حملات را به چند روز محدود سازد یا دفاع ایران را انتقام جلوه دهد.

جدول ۲- راهنمای حقوقی عبارات

ردیف	عبارت نیازمند اصلاح	بیان پیشنهادی	دلیل
۱	نام‌گذاری کلی جنگ: «جنگ ایران»، «جنگ ایران و اسرائیل» یا «بحران منطقه‌ای»، بدون معرفی منشأ حملات	«تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران و دفاع ایران در برابر آن»	نام مهاجم و ماهیت تجاوز روشن می‌شود.
۲	نام‌گذاری زمان آغاز در خرداد ۱۴۰۴ با عنوان «جنگ ۱۲روزه»	در نخستین اشاره: «تجاوز نظامی رژیم اسرائیل و سپس آمریکا علیه ایران که در خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد». در اشاره‌های بعدی: «تجاوز آغاز شده در خرداد ۱۴۰۴».	دوره موردنظر مشخص می‌شود و ترتیب ورود مهاجمان به حملات نیز حفظ می‌شود.
۳	نام‌گذاری زمان آغاز در اسفند ۱۴۰۴ با عنوان «جنگ ۳۹روزه» یا «جنگ رمضان»	در نخستین اشاره: «تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران که در اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد». در اشاره‌های بعدی: «تجاوز آغازشده در اسفند ۱۴۰۴».	زمان آغاز، این دوره را از دوره خرداد متمایز می‌کند، بدون اینکه مدت یا پایان کل مخاصمه از نام آن برداشت شود.
۴	توصیف حمله: «عملیات نظامی» یا «عملیات ویژه» به‌جای تجاوز	«تجاوز نظامی علیه ایران» یا «حملات تجاوزکارانه علیه ایران»	عنوان عام «عملیات»، غیرقانونی‌بودن حمله و مسئولیت مهاجم را نشان نمی‌دهد.
۵	حمله و پاسخ: «حملات متقابل» یا «درگیری دو طرف»	«حملات تجاوزکارانه [نام مهاجم] علیه ایران و پاسخ‌های دفاعی ایران»	روشن می‌شود چه کسی حمله کرده و ایران در پاسخ به چه حملاتی اقدام کرده است.
۶	هدف پاسخ ایران: «انتقام»، «تلافی‌جویی» یا «اقدام تنبیهی»	«پاسخ دفاعی ایران به حملات» یا «دفاع ایران در برابر تجاوز»	دفاع برای دفع حمله است؛ تعبیر «انتقام» آن را اقدامی برای مجازات نشان می‌دهد.
۷	تناسب پاسخ: پاسخ متناسب با ذکر عدد و رقم	«پاسخ دفاعی متناسب با نیاز به دفع حمله»	تناسب دفاع با نیاز دفاعی سنجیده می‌شود، نه برابری عددی موشک‌ها و خسارت‌ها.
۸	توجیهات مهاجم: «حمله پیشگیرانه»، «حمله پیش‌دستانه» یا «عملیات دفاعی» به زبان خود نویسنده	«[نام مهاجم] حمله خود را «پیشگیرانه»، «پیش‌دستانه» یا «دفاعی» در مغایرت با حقوق بین‌الملل توصیف کرده است»	تعبیر انتخابی مهاجم، ادعای خود اوست و نباید به ارزیابی پذیرفته‌شده نویسنده تبدیل شود.
۹	توقف حملات علی‌رغم وجود تهدیدات مکرر از سوی ایالات متحده و رژیم اسرائیل: «پایان جنگ» یا «آمادگی دفاعی ایران یعنی ادامه جنگ»	«حملات تجاوزکارانه متوقف شده است»؛ «ایران حق دفاع مشروع خود را محفوظ می‌داند»	توقف حملات، پایان قطعی مخاصمه را ثابت نمی‌کند چرا که اگر تهدید به حمله همچنان وجود داشته باشد حق دفاع مشروع همچنان باقی است و اعلام آمادگی برای دفاع نیز به‌تنهایی ادامه حملات نیست.
۱۰	مسئولیت دولت و اشخاص: «جنایت تجاوز» برای توصیف رفتار دولت	برای رفتار دولت: «تجاوز نظامی»؛ برای بررسی مسئولیت کیفری رهبران: «جنایت تجاوز»	مسئولیت دولت و مسئولیت کیفری رهبران، دو موضوع متفاوت‌اند.
۱۱	هدف حمله: «هدف نظامی مشروع»، بدون ارائه دلیل	«حمله به [نام محل]»؛ هنگام نقل ادعا: «مهاجم بدون ارائه دلیل ادعا کرده است که این محل یک هدف نظامی است»	نظامی‌بودن هدف باید مستند باشد؛ این عنوان به‌تنهایی تجاوز به کشور را مشروع نمی‌کند.

۱۲	حمله به اشخاص: «حذف هدفمند»، «خنثی‌سازی» یا «ترور هدفمند»، بدون معرفی فرد و نتیجه حمله	«قتل عمد یا زخمی‌کردن [نام و سمت فرد] در حمله [نام مهاجم]»	نام فرد، وضعیت نظامی یا غیرنظامی او و آسیب واردشده باید روشن باشد.
۱۳	آسیب به مردم: «خسارات جانبی» به‌عنوان توضیح کامل واقعه	«قتل عمد و زخمی‌کردن غیرنظامیان» یا «تخریب خانه‌ها و مراکز غیرنظامی در حمله [نام مهاجم]»	آسیب به مردم و اماکن غیرنظامی، روشن و با ذکر عامل حمله گزارش می‌شود.
۱۴	دقت حمله: «حمله دقیق» صرفاً به دلیل نوع سلاح؛ یا «حمله بی‌تمایز» صرفاً به دلیل وجود تلفات	«مهاجم بدون ارائه هرگونه دلیل قطعی مدعی انجام حمله دقیق است»؛ برای کاربرد «حمله بی‌تمایز»، دلیل مشخص ذکر شود.	دقت سلاح، قانونی‌بودن حمله را ثابت نمی‌کند؛ وجود تلفات نیز به‌تنهایی دلیل بی‌تمایزبودن نیست.
۱۵	توجیه و ویژگی تلفات: «تلفات اجتناب‌ناپذیر» یا «هر حمله پرتلفات، نامتناسب است»	«این حمله موجب [نوع و میزان آسیب به غیرنظامیان] شد»؛ عنوان «حمله نامتناسب» با بررسی مستند به‌کار رود.	ادعای اجتناب‌ناپذیربودن، تلفات را موجه نمی‌کند؛ تلفات زیاد نیز به‌تنهایی نامتناسب‌بودن حمله را ثابت نمی‌کند.
۱۶	پایگاه در کشور ثالث: «حمله ایران به [نام کشور میزبان]»، بدون معرفی پایگاه هدف	«اقدامات دفاعی ایران علیه پایگاه‌های نظامی [نام دولت صاحب پایگاه] در خاک [نام کشور میزبان] با حفظ تمامیت سرزمینی کشور میزبان و رعایت اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان»	هدف حمله و کشور میزبان جداگانه معرفی می‌شوند؛ نظامی‌بودن پایگاه، به‌تنهایی مشروعیت حمله را ثابت نمی‌کند.
۱۷	روایت‌های خارجی بحران تنگه هرمز: «ایران عامل ناامنی کشتیرانی و تهدید تجارت جهانی است»، بدون اشاره به تجاوز علیه ایران	«پیامدهای تجاوز [نام مهاجم] علیه ایران برای امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز»؛ هنگام گزارش اقدام ایران: «[شرح دقیق اقدام ایران] در تنگه هرمز، پس از این تجاوز»	حذف تجاوز و توالی وقایع، نقش مهاجم در شکل‌گیری بحران را پنهان می‌کند و ایران را تنها مسئول آن نشان می‌دهد.
۱۸	روایت‌های داخلی در مورد تنگه هرمز: تعبیرهایی مانند «بستن تنگه برای انتقام» و «فلج‌کردن اقتصاد جهان»؛ یا «بستن تنگه» برای هر هشدار و محدودیت موردی	«اقدامات مشروع [نوع و دامنه واقعی اقدام ایران] در تنگه هرمز، در پاسخ به تجاوز [نام مهاجم] علیه ایران»؛ با ذکر ارتباط مستند اقدام با مقابله با تجاوز	تعبیرهای انتقامی، هدف دفاعی را کم‌رنگ می‌کنند و ایران را تهدیدکننده همه کشورها نشان می‌دهند. تعبیر کلی «بستن تنگه» نیز ممکن است محدودیتی مشخص را توقف عبور همه کشتی‌ها جلوه دهد.
۱۹	حمله و پاسخ سایبری: «اختلال فنی» برای اخلال عمدیِ مستند؛ «انتقام سایبری» برای پاسخ ایران	«اخلال سایبری در [سامانه یا خدمت] موجب [آسیب مشخص] شد»؛ با ذکر عامل در صورت احراز. برای اقدامات دفاعی ایران: «اقدام سایبری ایران برای مقابله با [حمله مشخص]»	تعبیر «اختلال فنی» می‌تواند عمدی‌بودن اقدام و مسئولیت عامل را پنهان کند؛ «انتقام سایبری» نیز هدف دفاعی پاسخ ایران را کم‌رنگ می‌کند.

نمونه عملی استفاده از راهنما:

- **بیان نیازمند اصلاح:** *«در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، دو طرف حملات متقابلی انجام دادند. ایران برای انتقام به اسرائیل حمله کرد. این درگیری‌ها با خسارات جانبی همراه بود.»*
- **بازنویسی پیشنهادی:** *« این گزارش، تجاوز نظامی رژیم اسرائیل و سپس آمریکا علیه ایران که در خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد و پاسخ‌های دفاعی ایران را بررسی می‌کند. پاسخ ایران با هدف دفع حملات و جلوگیری از تداوم آن‌ها انجام*

شده است. حملات غیرقانونی و ناقض حقوق بین‌الملل رژیم اسرائیل موجب کشته‌شدن و زخمی‌شدن شماری از غیرنظامیان و آسیب به خانه‌های مسکونی شده است.»

در بازنویسی، نام مهاجمان، ترتیب ورود آن‌ها به حملات، هدف پاسخ ایران و آسیب به غیرنظامیان روشن شده‌اند. اشاره به خرداد ۱۴۰۴ نیز مشخص می‌کند گزارش درباره کدام دوره است. این نشانه زمانی برای شناسایی دوره موردبحث است؛ بررسی پیشینه حملات و تعیین آغاز و پایان حقوقی کل مخاصمه، به مستندات و تحلیل جداگانه نیاز دارد.

۱۰. اصول کاربردی و ملاحظات پایانی در درست‌نویسی واژگان

دقت در انتخاب واژگان باید از آغاز تدوین مواضع رسمی، اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخستین اشاره به جنگ بهتر است منشأ آن را روشن کند؛ برای نمونه: «در پی تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران و اقدامات دفاعی متعاقب ایران...». برای تمایز دوره‌های حملات، زمان آغاز دوره موردبحث نیز در معرفی اولیه ذکر شود. پس از معرفی، می‌توان متناسب با موضوع از تعبیرهای «تجاوز آغاز شده در خرداد ۱۴۰۴» یا «تجاوز آغازشده در اسفند ۱۴۰۴» استفاده کرد. در متن‌هایی که هر دو دوره بررسی می‌شوند، هرجا احتمال ابهام وجود دارد، این نشانه زمانی تکرار شود. پس از معرفی واقعه می‌توان متناسب با موضوع از عبارت‌های کوتاه‌تری مانند «در جریان جنگ تجاوزکارانه»، «در ادامه درگیری مسلحانه» یا «در این دوره» استفاده کرد. تکرار واژه «تجاوز» در همه جمله‌ها ضرورتی ندارد، اما عنوان حقوقی واقعه باید در بخش‌های اصلی متن، به‌ویژه عنوان، مقدمه و جمع‌بندی، حفظ شود.

در نقل اخبار و مواضع خارجی، باید میان واقعیت رویداد و ادعای طرف‌های درگیر تفاوت گذاشت. برای مثال، ترجمه عبارت Pre-emptive Strike/attack به «حمله پیش‌دستانه» بدون اشاره به گوینده، ممکن است توجیه حقوقی طرف مهاجم را به زبان نویسنده وارد کند. عباراتی مانند «رژیم اسرائیل با ادعای اینکه حمله‌اش پیش‌دستانه است به دنبال توجیه قانونی آن است» این مشکل را برطرف می‌کند. همین دقت درباره تعبیرهایی مانند «حمله پیشگیرانه»، «عملیات دفاعی» و «پاسخ به تهدیدات ایران» نیز ضروری است. ادعاهای حقوقی و سیاسی هر طرف باید به گوینده آن نسبت داده شوند.

در موضوعات تخصصی نیز واژه‌گزینی باید با ماهیت رفتار موردبررسی تناسب داشته باشد. برای نمونه، هر نفوذ به سامانه‌های رایانه‌ای، اختلال در خدمات یا عملیات سایبری مخرب، لزوماً «حمله مسلحانه» یا «تجاوز» در مفهوم حقوق بین‌الملل نیست. بهتر است ابتدا رفتار رخ‌داده با اصطلاح دقیق توصیف شود و در صورت نیاز، ماهیت حقوقی آن جداگانه بررسی شود. این ملاحظه درباره مشروعیت عملیات نظامی، انتخاب اهداف، اقدامات مرتبط با کشورهای ثالث و محدودیت‌های دریایی نیز اهمیت دارد.

استمرار کاربرد واژگان دقیق در مواضع رسمی، رسانه‌ها و آثار پژوهشی به انسجام روایت وقایع و حفظ امکان استناد به آن‌ها کمک می‌کند. البته تکرار یک اصطلاح در گزارش‌های رسانه‌ای یا پژوهشی به‌تنهایی عرف بین‌المللی ایجاد نمی‌کند. شکل‌گیری عرف به رویه عمومی دولت‌ها و پذیرش آن رویه به‌عنوان یک قاعده الزام آور وابسته است؛ اما ثبت منظم و مستند وقایع می‌تواند در تنظیم مواضع رسمی، پیگیری مسئولیت‌ها و جلوگیری از رواج روایت‌های نادقیق نقش مؤثری داشته باشد.

پیش از انتشار هر متن یا اعلام موضع، لازم است چند نکته بررسی شود: آیا آغازگر حملات نظامی به‌روشنی معرفی شده است؟ آیا میان تجاوز و دفاع مشروع تمایز وجود دارد؟ آیا ادعاهای طرف مهاجم به خود او نسبت داده شده‌اند؟ آیا کاربرد اصطلاحات حقوقی با شواهد و شرایط هر واقعه سازگار است؟

دقت حقوقی در روایت جنگ، بخشی از مسئولیت حرفه‌ای همه نهادها و اشخاص فعال در عرصه‌های سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و پژوهشی است. کاربرد سنجیده واژگان به ثبت روشن‌تر وقایع، حفظ تفاوت حقوقی میان اقدامات طرف‌ها و پیگیری مستند مسئولیت‌ها کمک می‌کند. اصل راهنمای این سند نیز بر همین مبنا استوار است؛ **تجاوز را با عنوان حقوقی آن ثبت کنیم، دفاع مشروع را از اقدام تلافی‌جویانه متمایز بدانیم و در بیان هر دو، به قواعد حقوق بین‌الملل و مستندات موجود پایبند بمانیم. این امر بخشی از رسالت هر ایرانی در دفاع در مقابل دشمن متجاوز است.**

پیوست۱: راهنمای تفصیلی

جدول ۳، دلایل حقوقی و نکات لازم برای کاربرد عبارت‌های پیشنهادی را با جزئیات بیشتری توضیح می‌دهد و برای مراجعه کارشناسی تهیه شده است. هدف آن، حفظ پیشینه حملات، روشن‌کردن مسئولیت مهاجم، تمایز تجاوز از دفاع مشروع و بیان دقیق آسیب به غیرنظامیان است. انتخاب هر تعبیر باید بر شواهد واقعه و شرایط حقوقی همان اقدام استوار باشد.

جدول ۳- راهنمای تفصیلی

ردیف	عبارت یا برداشت نیازمند دقت	بیان دقیق‌تر	دلیل حقوقی و اثر بر روایت	ملاحظه کاربرد
۱	*آغاز و نام‌گذاری جنگ: «جنگ ایران و اسرائیل»، «جنگ ۱۲ روزه»، «جنگ ۳۹ روزه»، «جنگ رمضان»، «درگیری»، بدون توضیح آغاز حملات*	در معرفی دوره خرداد: «تجاوز نظامی رژیم اسرائیل و سپس آمریکا علیه ایران که در خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد». در معرفی دوره بعدی: «تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران که در اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد». پس از معرفی: «تجاوز آغازشده در خرداد ۱۴۰۴» یا «تجاوز آغازشده در اسفند ۱۴۰۴».	نام‌گذاری صرفاً بر اساس دو طرف یا مدت جنگ، مشخص نمی‌کند چه دولتی توسل غیرقانونی به زور را آغاز کرده است. در واقعه‌ای که تجاوز بودن آن مستند است، حذف این وصف می‌تواند مسئولیت آغازگر را کم‌رنگ کند و حمله و دفاع را در روایت هم‌سطح نشان دهد. ذکر زمان آغاز دوره، امکان تمایز وقایع را فراهم می‌کند، بدون اینکه تعداد روزهای درگیری جایگزین بررسی آغاز و پایان حقوقی مخاصمه شود. تعداد روزهای درگیری فعال، معرف تمام پیشینه و مدت حقوقی مخاصمه نیست.	آغازگر و تاریخ حملات را مستند معرفی کنید. برای تمایز دوره‌های موردبحث، ماه و سال آغاز هر دوره حملات را ذکر کنید. این تاریخ، شناسه دوره موردنظر است و به‌تنهایی آغاز حقوقی کل مخاصمه را تعیین نمی‌کند. اگر گزارش به بازه زمانی مشخصی محدود است، تاریخ ابتدا و انتهای آن بازه را جداگانه بنویسید.
۲	*«عملیات نظامی» یا «عملیات ویژه»، به‌عنوان توصیف حملات تجاوزکارانه*	برای اقدام تجاوزکارانه: «تجاوز نظامی [نام دولت متجاوز] علیه ایران» یا «حملات تجاوزکارانه [نام دولت متجاوز] علیه ایران».	«عملیات نظامی» عبارتی عام است که قانونی یا غیرقانونی‌بودن استفاده از نیروی نظامی را مشخص نمی‌کند؛ درحالی‌که «تجاوز» به استفاده از نیروی مسلح علیه دولت دیگر برخلاف منشور ملل متحد اشاره دارد. در مواردی که تجاوز بودن حمله مستند شده است، جایگزین‌کردن «تجاوز» با «عملیات» می‌تواند نقض حقوق بین‌الملل و مسئولیت دولت آغازگر را در روایت کم‌رنگ کند.	در توصیف حملات تجاوزکارانه، از «تجاوز نظامی» یا «حملات تجاوزکارانه» استفاده کنید. تعبیر «عملیات» را هنگام نقل موضع دولت مهاجم یا توجیه‌گران آن، صریحاً به گوینده نسبت دهید؛ مثلاً: «دولت مهاجم این حملات را عملیات نظامی نامیده است.» این انتساب مانع از آن می‌شود که تعبیر انتخابی مهاجم، به توصیف خود نویسنده تبدیل شود.
۳	*حملات متقابل و مسئولیت طرف‌ها: «حملات متقابل» یا «درگیری دو طرف»، بدون مشخص‌کردن حمله آغازین و پاسخ به آن*	در بیان رویدادها: «حملات تجاوزکارانه [نام دولت متجاوز] علیه ایران و اقدامات دفاعی ایران در برابر آن»، در موارد واجد شرایط دفاع مشروع. در بیان تعهدات حقوق جنگ: «طرف‌های مخاصمه».	مشارکت دو دولت در جنگ، به معنای مسئولیت برابر آنان در آغاز آن نیست. عبارت «حملات متقابل» اگر ترتیب و مبنای اقدامات را حذف کند، می‌تواند تجاوز و دفاع را هم‌سطح نشان دهد. قواعد حمایت از غیرنظامیان برای همه طرف‌های مخاصمه الزام‌آور است.	حمله آغازین، پاسخ متعاقب و مبنای حقوقی هر کدام را روشن کنید. «طرف‌های مخاصمه» برای بیان تعهدات مشترک آنان مناسب است؛ از این عنوان، مسئولیت یکسان در آغاز جنگ یا مشروعیت یکسان اقدامات را نتیجه نگیرید.
۴	*دفاع مشروع و تعبیر انتقام:*	«اقدامات دفاعی ایران برای دفع حملات مسلحانه» یا « اعمال حق ذاتی دفاع از خود/دفاع مشروع از سوی	ماده ۵۱ منشور، دفاع در برابر حمله مسلحانه را به رسمیت می‌شناسد؛ انتقام یا تنبیه، مجوز مستقلی برای توسل به	پیوند پاسخ ایران با دفع حمله مسلحانه را توضیح دهید. برای هر اقدام، ضرورت و تناسب دفاع و رعایت قواعد حمایت از

	«انتقام»، «تلافی‌جویی»، «اقدام تنبیهی» یا «مقابله‌به‌مثل نظامی» برای پاسخ دفاعی ایران	ایران»، برای اقدامی که شرایط دفاع مشروع را دارد.	زور نیست. نامیدن پاسخ دفاعی به «انتقام» می‌تواند مبنای قانونی آن را به انگیزه تنبیهی تقلیل دهد و تفاوتش با تجاوز را مخدوش کند.	غیرنظامیان را مشخص کنید. استناد دولت به دفاع مشروع، همراه با تکلیف گزارش فوری اقدامات به شورای امنیت است.
۵	*تناسب دفاع و برابری خسارت: «پاسخ متناسب یعنی همان تعداد موشک، همان نوع سلاح یا همان میزان تلفات»*	«اقدام دفاعی ضروری و متناسب برای دفع حمله مسلحانه»؛ با توضیح هدف دفاعی	در دفاع مشروع، ضرورت یعنی استفاده از نیرو برای هدف دفاعی لازم باشد؛ تناسب یعنی دامنه و شدت آن از نیاز دفاعی فراتر نرود. سنجش صرف با تعداد موشک‌ها یا تلفات، هدف دفع حمله را از ارزیابی کنار می‌گذارد و معیار حقوقی تناسب را به برابری عددی تبدیل می‌کند.	توضیح دهید اقدام چگونه به دفع حمله کمک می‌کند و چرا دامنه آن برای این هدف لازم است. از بیشتر یا کمتر بودن خسارات دو طرف، به‌تنهایی مشروعیت یا نامشروع‌بودن پاسخ را نتیجه نگیرید. رعایت اصل تناسب در هر حمله نیز جداگانه بررسی شود.
۶	*توجیه حمله با تهدید آینده: «حمله پیشگیرانه» یا «رفع تهدید آینده»، بدون انتساب این توجیه به دولت حمله‌کننده*	حملات تجاوزکارانه [نام دولت متجاوز] علیه ایران، با ادعای پیشگیری از تهدید احتمالی آینده»؛ یا «[نام دولت] حمله را با استناد به خطر آینده توجیه کرده است».	احتمال تهدیدی دور یا نامعین، به‌تنهایی مجوز استفاده از نیروی نظامی در قالب دفاع مشروع نیست. کاربرد بی‌قید «حمله پیشگیرانه» می‌تواند هدف اعلامی مهاجم را جایگزین مبنای حقوقی لازم کند و حمله را اقدامی مجاز جلوه دهد.	تهدید ادعایی، زمان احتمالی وقوع و شواهد ارائه‌شده را مشخص کنید. عنوان «پیشگیرانه» را به گوینده نسبت دهید. توانایی احتمالی یک دولت برای حمله در آینده، به‌تنهایی تحقق حمله مسلحانه یا مجوز دفاع نظامی را ثابت نمی‌کند. هنگام نقل موضع نیز گوینده و مضمون واقعی ادعا مشخص شوند.
۷	*ادعای حمله پیش‌دستانه یا دفاعی: «حمله پیش‌دستانه» یا «عملیات دفاعی» آمریکا یا رژیم اسرائیل، به زبان خود نویسنده*	«[نام دولت] مدعی است این حمله برای دفع حمله‌ای قریب‌الوقوع انجام شده است»؛ برای ارزیابی گزارش، «حملات تجاوزکارانه [نام دولت متجاوز] علیه ایران»؛ برای نقل موضع، «[نام دولت] حملات خود را «پیش‌دستانه» یا «دفاعی» توصیف کرده است»	این تعبیرها متضمن ادعای مشروعیت حمله‌اند. دفاع پیش از وقوع حمله، با استناد به قریب‌الوقوع‌بودن آن، محل اختلاف حقوقی است. پذیرفتن عنوان مهاجم بدون انتساب، می‌تواند ادعای او درباره خطر فوری و ضرورت حمله را به نتیجه حقوقی نویسنده تبدیل کند.	گوینده، منبع و مضمون دقیق ادعا را ذکر کنید. شواهد قریب‌الوقوع‌بودن حمله، ضرورت فوری و تناسب را جداگانه بسنجید. «پیش‌دستانه» برای ادعای دفع خطر فوری، با «پیشگیرانه» برای رفع تهدید احتمالی آینده یکسان نیست.
۸	*توقف حملات و حفظ حق دفاع: «با توقف حملات، حق دفاع از بین رفته است»؛ یا «اعلام آمادگی ایران برای دفاع، ادامه جنگ است»*	برای وضعیت واقعی: « توقف حملات تجاوزکارانه»؛ در صورت توافق: «برقراری آتش‌بس طبق توافق». برای موضع ایران: «ایران حق ذاتی دفاع از خود/دفاع مشروع خود را محفوظ می‌داند».	توقف درگیری‌های فعال، به‌خودی‌خود پایان مخاصمه یا زوال حق دفاع را ثابت نمی‌کند. اعلام آمادگی یا محفوظ‌دانستن حق دفاع نیز به‌تنهایی نشانه ادامه حملات یا مجوز حمله طرف مقابل نیست. یکی‌دانستن این وضعیت‌ها می‌تواند موضع دفاعی را به‌صورت ادامه جنگ بازنمایی کند. از نظر استادان حقوق بین‌الملل تا زمانی که تهدیدها به عملیات نظامی باقی است، حق دفاع مشروع ایران هم باقی است.	توقف درگیری‌های فعال، به‌خودی‌خود پایان مخاصمه یا زوال حق دفاع از خود را ثابت نمی‌کند. در وضعیت ناشی از حملات مسلحانه پیشین، استمرار خطر تداوم یا ازسرگیری حملات باید در ارزیابی وضعیت دفاعی لحاظ شود. اعلام آمادگی برای دفاع یا محفوظ‌دانستن این حق نیز به‌تنهایی به معنای ادامه عملیات جنگی یا مجوز حمله طرف مقابل نیست. محفوظ‌بودن حق دفاع باید از شرایط اعمال آن در هر اقدام مشخص، ازجمله ضرورت و تناسب، متمایز شود.
۹	*تجاوز دولت و جنایت تجاوز «جنایت تجاوز» برای هر حمله نظامی، یا معرفی خود دولت*	برای رفتار دولت: «تجاوز نظامی» یا «عمل تجاوزکارانه». برای بررسی مسئولیت کیفری رهبران واجد شرایط: «جنایت تجاوز» و «مسئولیت کیفری احتمالی در قبال آن».	تجاوز دولت و جنایت تجاوز اشخاص، دو سطح متفاوت مسئولیت‌اند. ماده ۸ مکرر اساسنامه رم، جرم را به رهبران دارای کنترل یا هدایت مؤثر اقدام سیاسی یا نظامی دولت مربوط می‌کند؛ تجاوز باید	رفتار دولت را از نقش و مسئولیت هر شخص جدا کنید. در انتساب جرم، جایگاه فرد، نقش او و شرایط جرم را توضیح دهید. وجود محدودیت در صلاحیت دیوان کیفری، به‌خودی‌خود تجاوز دولت را

	به‌عنوان مرتکب این جرم فردی		از حیث ماهیت، شدت و مقیاس، نقض آشکار منشور باشد. خلط دو عنوان، دقت انتساب مسئولیت را کاهش می‌دهد.	مشروع نمی‌کند؛ ادعای جرم نیز با محکومیت قضایی یکی نیست.
۱۰	*هدف نظامی و توجیه حمله «هدف نظامی مشروع» برای هر ساختمان دولتی، زیرساخت حیاتی یا تأسیسات با استفاده دوگانه »*	«حمله به [نام و کارکرد تأسیسات]». اگر نظامی‌بودن هدف ادعا شده است: «مهاجم مدعی است این تأسیسات هدف نظامی بوده است»؛ ارزیابی حقوقی آن جداگانه بیان شود.	هدف نظامی باید هم به سبب ماهیت، محل، کاربرد فعلی یا موردنظر به اقدام نظامی کمک مؤثر کند، هم نابودی، تصرف یا ازکارانداختن آن در شرایط همان زمان مزیت نظامی معینی ایجاد کند. برچسب «هدف نظامی» بدون اثبات این دو معیار می‌تواند حمایت از اماکن غیرنظامی را نادیده بگیرد؛ این برچسب، توسل به زور را نیز مشروع نمی‌کند.	کارکرد تأسیسات و مزیت نظامی مورد انتظار را مشخص کنید؛ دولتی‌بودن یا اهمیت اقتصادی کافی نیست. حتی برای هدف نظامی، تناسب، احتیاط و حمایت ویژه احتمالی، مانند حمایت از مراکز پزشکی، لازم است. قانونی‌بودن آغاز حمله به کشور را جداگانه بررسی کنید.
۱۱	*پوشاندن ماهیت قتل یا جراحت با تعبیرهایی مانند «حذف هدفمند» و «خنثی‌سازی»؛ یا کاربرد «ترور هدفمند» بدون معرفی شخص، وضعیت حقوقی او و مبنای ارزیابی واقعه*	در واقعه‌ای که ماهیت عمدی و غیرقانونی قتل مستند است: «قتل عمد [نام و سمت فرد] در حمله [نام حمله‌کننده]»؛ در صورت انطباق عنوان ترور با واقعه، این عنوان نیز با توضیح مبنای آن ذکر شود. برای گزارش نتیجه حمله پیش از تکمیل ارزیابی حقوقی: «کشته‌شدن یا مجروح‌شدن [نام و سمت فرد] در حمله [نام حمله‌کننده]». وضعیت نظامی یا غیرنظامی فرد و برخورداری او از حمایت در برابر حمله مشخص شود.	تعبیر «حذف» وضعیت حقوقی و آسیب واردشده به شخص را روشن نمی‌کند. سمت سیاسی به‌تنهایی مجوز حمله نیست. در مخاصمه بین‌المللی، نظامیان جز کارکنان پزشکی و مذهبی می‌توانند حتی خارج از خط مقدم هدف باشند؛ افراد خارج از نبرد حمایت می‌شوند. غیرنظامیان فقط هنگام مشارکت مستقیم در مخاصمه، حمایت در برابر حمله مستقیم را از دست می‌دهند.	نام، سمت، وضعیت فرد و نتیجه حمله را بنویسید. فرد اسیر، تسلیم‌شده یا ناتوان از جنگ بر اثر جراحت یا بیماری نیز نباید هدف حمله قرار گیرد.
۱۲	*خسارات جانبی و قربانیان غیرنظامی: «خسارات جانبی»، به‌عنوان بیان کامل کشته‌شدن مردم یا تخریب خانه‌ها و مراکز غیرنظامی*	« کشته و زخمی‌شدن غیرنظامیان در حمله [نام حمله‌کننده]» یا «تخریب [نام مکان غیرنظامی] در حمله [نام مهاجم]». در صورت احراز عناصر مربوط، «قتل عمد غیرنظامیان»؛ و در صورت احراز هدف‌گیری آنان، «حمله مستقیم به غیرنظامیان».	«خسارات جانبی» در کاربرد فنی به آسیب به غیرنظامیان در حمله به هدف نظامی، بدون هدف‌قرارگرفتن آنان، اشاره دارد؛ این عنوان، خسارت را خودبه‌خود قانونی نمی‌کند. کاربرد آن به‌تنهایی می‌تواند قربانیان و مسئولیت حمله‌کننده را به حاشیه ببرد. حمله مستقیم به غیرنظامیان ممنوع است، اما وجود تلفات به‌تنهایی هدف‌گیری مستقیم آنان را ثابت نمی‌کند .	عامل حمله، هویت و وضعیت قربانیان، نوع آسیب و منبع اطلاعات را مشخص کنید. کاربرد عنوان «قتل عمد» باید بر مستندات مربوط به ماهیت عمدی و غیرقانونی قتل استوار باشد؛ وجود تلفات به‌تنهایی همه عناصر این عنوان را اثبات نمی‌کند. اگر مهاجم آسیب را «جانبی» می‌نامد، این وصف را به او نسبت دهید و بررسی هدف‌گیری، تناسب و اقدامات احتیاطی را جداگانه انجام دهید.
۱۳	*حمله دقیق و حمله بی‌تمایز: «حمله دقیق» صرفاً به دلیل استفاده از سلاح هدایت‌شونده؛ یا «حمله بی‌تمایز» صرفاً به دلیل وجود تلفات*	« دولت متجاوز، بدون ارائه مستندات کافی درباره نحوه هدف‌گیری و محدودکردن آثار حمله، مدعی انجام حمله دقیق است». در صورت تحقق معیار حقوقی: «حمله بی‌تمایز»، همراه با توضیح اینکه هدف‌گیری یا آثار سلاح چگونه تمایز لازم را رعایت نکرده است.	حمله‌ای بی‌تمایز است که به هدف نظامی مشخص جهت داده نشده، یا سلاح و روش آن قابل هدایت به چنین هدفی نیست، یا آثار آن به نحو لازم محدودشدنی نیست. واژه «دقیق» می‌تواند این بررسی را کنار بزند؛ هدایت‌شونده‌بودن سلاح، قانونی‌بودن حمله را ثابت نمی‌کند. تلفات نیز به‌تنهایی دلیل بی‌تمایزبودن نیست.	هدف، شیوه هدف‌گیری، نوع سلاح و امکان محدودکردن آثار آن را توضیح دهید. ادعای «دقت» را به مهاجم نسبت دهید. «حمله مستقیم به غیرنظامیان» و «حمله بی‌تمایز» دو عنوان متفاوت‌اند؛ ممکن است یک واقعه چند قاعده را نقض کند.
۱۴	*تلفات اجتناب‌ناپذیر و تناسب حمله:*	«این حمله موجب [نوع و میزان آسیب غیرنظامی] شده است». در صورت	حتی حمله به هدف نظامی ممنوع است اگر آسیب قابل‌پیش‌بینی به غیرنظامیان	خسارت مورد انتظار را بر پایه اطلاعاتی بسنجید که هنگام تصمیم به حمله در

	«تلفات اجتناب‌ناپذیر» برای توجیه آسیب به غیرنظامیان؛ یا «هر حمله پرتلفات، نامتناسب است»	تحقق معیار حقوقی: «حمله نامتناسب»، با توضیح خسارت قابل‌پیش‌بینی و مزیت نظامی مورد انتظار.	و اماکن غیرنظامی، در برابر مزیت نظامی ملموس و مستقیمِ مورد انتظار، بیش از حد باشد. تعبیر «اجتناب‌ناپذیر» می‌تواند تکلیف سنجش تناسب و کاهش آسیب را کم‌رنگ کند. این معیار با تناسب میزان نیروی لازم برای دفاع مشروع تفاوت دارد.	دسترس بود یا باید بررسی می‌شد؛ آثار غیرمستقیمِ معقولاً قابل‌پیش‌بینی نیز مهم‌اند. تلفات نهایی به‌تنهایی معیار نیست. اقدامات ممکن برای جلوگیری از آسیب یا کاهش آن را نیز بیان کنید.
۱۵	*«حمله ایران به [نام کشور میزبان]»، بدون معرفی پایگاه هدف*	«اقدام دفاعی ایران علیه پایگاه نظامی مورد استفاده [نام دولت متجاوز] در قلمرو [نام کشور میزبان]»	نام‌بردن صرف از کشور میزبان می‌تواند هدف حمله و نقش پایگاه را از روایت حذف کند و آن کشور را هدف مستقیم جلوه دهد. قرارداشتن پایگاه مهاجم در کشور ثالث، مجوز خودکار حمله نیست؛ حاکمیت کشور میزبان و مبنای استفاده از نیرو در قلمرو آن نیز باید بررسی شود.	صاحب پایگاه، کشور میزبان و نقش مستند پایگاه در حمله را جداگانه ذکر کنید. مبنای اقدام در خاک کشور ثالث، نحوه رعایت حاکمیت، تمامیت سرزمینی و اصل تفکیک توضیح داده شود.
۱۶	*روایت‌های خارجی درباره بحران تنگه هرمز: «ایران عامل ناامنی کشتیرانی و تهدید تجارت جهانی است»، بدون اشاره به تجاوز علیه ایران*	«پیامدهای تجاوز نظامی [نام دولت متجاوز] علیه ایران برای امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز»؛ هنگام گزارش اقدام ایران: «[شرح دقیق اقدام و دامنه آن] پس از این تجاوز، با پیامد [اثر مستند بر کشتیرانی]».	حذف تجاوز و توالی وقایع، نقش مهاجم در شکل‌گیری بحران را پنهان می‌کند. مسئولیت آغازگر تجاوز باید در روایت حفظ شود؛ قانونی‌بودن هر اقدام مشخص در دریا نیز با توجه به حقوق عبور، قواعد جنگ دریایی و وضعیت شناورها بررسی می‌شود.	ادعای خارجی را به گوینده نسبت دهید. زمان حملات، اقدام ایران و آثار آن بر کشتیرانی را با ذکر منبع گزارش کنید. نقش هر اقدام در ایجاد اختلال باید مستند باشد؛ صرف وقوع رویدادها پس از یکدیگر، رابطه علت و معلولی را ثابت نمی‌کند.
۱۷	*روایت‌های داخلی درباره تنگه هرمز: «بستن تنگه برای انتقام»، «فلج‌کردن اقتصاد جهان» یا «بستن تنگه» برای هر هشدار و محدودیت موردی*	مطابق واقعیت: «هشدار درباره عبور [شناورها]»، «محدودیت عبور [شناورهای مشخص]» یا «جلوگیری از عبور [دامنه مشخص]». در صورت احراز ارتباط دفاعی: «اقدام ایران برای مقابله با [حمله مشخص]»؛ «اقدامات دفاعی ایران در تنگه هرمز برای مقابله با تجاوز [نام دولت متجاوز] و از جمله با محاصره دریایی غیرقانونی»	تعبیرهای انتقامی می‌توانند اقدام ایران را مجازات عمومی کشورها و مردم نشان دهند. هشدار و محدودیت موردی نیز با انسداد کامل یکسان نیستند. حقوق قانونی عبور از تنگه بین‌المللی، با شروع جنگ خودبه‌خود از میان نمی‌رود؛ وقوع جنگ به‌تنهایی مجوز منع عبور همه شناورها نیست.	نوع و وضعیت شناورها، محدوده جغرافیایی، مدت و دامنه اقدام و ارتباط آن با مقابله با تجاوز مشخص شود. در کاربرد وصف «اقدام مشروع»، مبنای حقوقی اقدام، ضرورت و تناسب و قواعد قابل‌اعمال بر عبور و حقوق شناورها و کشورهای غیرطرف مخاصمه توضیح داده شود.
۱۸	*حمله و پاسخ سایبری: «اختلال فنی» برای اخلال عمدیِ مستند؛ «انتقام سایبری» برای پاسخ ایران*	«اخلال سایبری عمدی در [سامانه یا خدمت] موجب [آسیب مشخص] شد»؛ نام عامل در صورت احراز ذکر شود. برای اقدامات دفاعی ایران: « اقدام دفاعی سایبری ایران برای دفع یا کاهش آثار [حمله مشخص]».	«اختلال فنی» می‌تواند عمدی‌بودن اقدام و مسئولیت عامل را پنهان کند؛ «انتقام سایبری» نیز هدف پاسخ را مجازات نشان می‌دهد. در مخاصمه مسلحانه، اقدامات سایبری هم تابع قواعد حمایت از غیرنظامیان‌اند و باید از نظر هدف‌گیری، تناسب و احتیاط بررسی شوند.	عمدی‌بودن اخلال، انتساب آن به عامل و توصیف حقوقی عملیات، موضوعاتی جداگانه‌اند. هر نفوذ یا اخلال سایبری لزوماً توسل به زور یا حمله مسلحانه نیست. کاربرد این عنوان‌ها باید با توجه به ماهیت، شدت و آثار عملیات توجیه شود. مفهوم «حمله» در حقوق بشردوستانه نیز با «حمله مسلحانه» موضوع ماده ۵۱ منشور یکسان نیست.